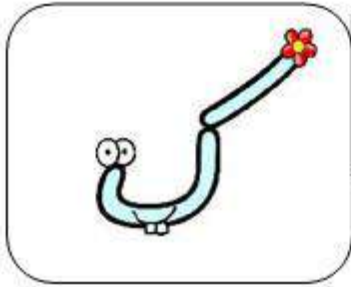


روانخوانی نشانه ک



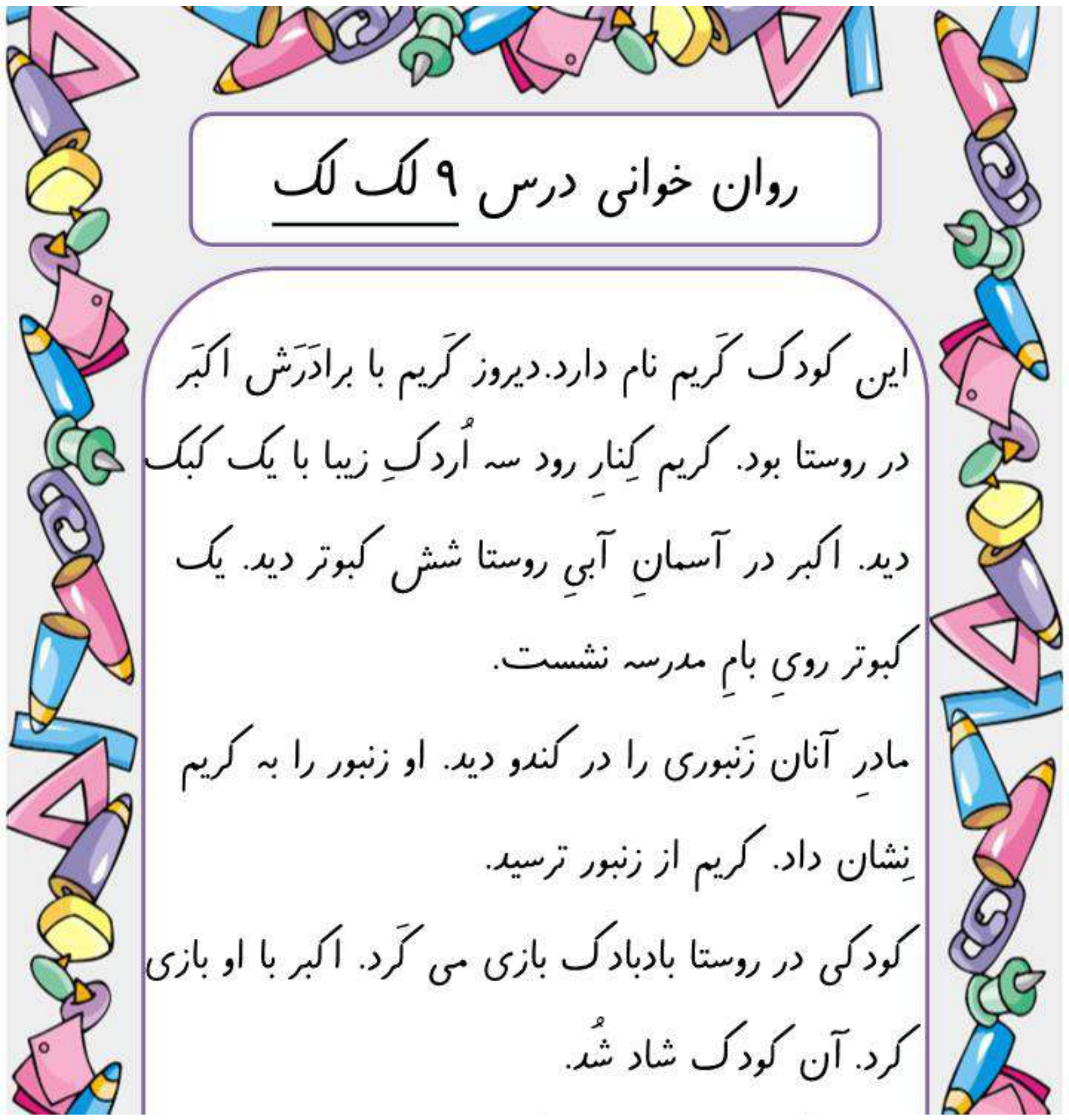
بلند بخوان

زنبور در کندو است . کبوتر روی بام است . اردک در آب شنا می کند . کریم کدو
نمکدان نمک مادر کباب درست می کند . این ندارد می کارد

اکبر با بابک کنار رود نشسته است . بابک به اکبر کمک می کند تا بادبادک درست کند
بابای اکبر کارمند بانک است . بابای بابک کتاب دار است . او دوست بابای اکبر است
او آنان از کرمان آمده اند . بابک می داند که کتاب دادن به دوستان کار نیکویی است
دوست دارد در آینده دکتر باشد تا به کودکان کمک کند

اکرم کنار رود ایستاده بود . او کبوتران را تماشا می کرد . سه اردک در رود شنا می کردند
کم کم کباب اکرم ساقیت کنار رود نشست . کمی دور تر بابا کباب درست می کرد
داشت آماده می شد کبوتر - کندو - اردک - کودک - موشک - کباب - کریم - گره -
تاریک - باریک - بادبادک - نمک - نمکدان

کی - کو - کر - کور - کار - کریم - کمر - کمر بند - کند - گرد - کمد - کت - کم -
کم کم - ساک



روان خوانی درس ۹ لک لک

این کودک کریم نام دارد. دیروز کریم با برادرش اکبر در روستا بود. کریم کنار رود سه اردک زیبا با یک کبک دید. اکبر در آسمان آبی روستا شش کبوتر دید. یک کبوتر روی بام مدرسه نشست.

مادر آنان زنبوری را در کندو دید. او زنبور را به کریم نشان داد. کریم از زنبور ترسید.

کودکی در روستا بادبادک بازی می کرد. اکبر با او بازی کرد. آن کودک شاد شد.

ک ک

کبوتر - کودک - کاسه - کباب - کتاب - ای کاش - کار - کم -
- کوسه - می کند - می کارد - می کند - کاردستی - مبارک - اکرم -
- کرسی - مشکلی - سیرکه - برکه - شگ - شکر - شکر - شکایت -
- بابک - پک - تگ - تکرار - دیکته - اردک - ساکت - سکوت -
- بانگ - کریم - کنار - کندو - بادبادک - اکبر - کمک - کوکو -
- کسی - دکتر - نمک - گدو - تاریک - نمکدان - کره - گت -

ای کاش من کبوتر بودم.

اکبر کاردستی درست می کند.

کوسه ترسناک است.

اردک در برکه شنا می کند.

مادر شکر را در کاسه می ریزد.

کریم به بابک کمک می کند.

اکرم نمک را در یک نمکدان می ریزد.

دیکته ی سارا درست است.

